فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و سوم، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۲۱۰-۱۸۷

بررسی رابطه کیفیت محیط نهادی، رانت منابع طبیعی و رشد صادرات در منتخبی از کشورهای در حال توسعه با استفاده از رویکرد پانل دیتا

عباس رضازاده کارسالاری
گروه اقتصاد، واحد پروفسور حسابی، دانشگاه ازاد اسلامی، تفرش، ایران (نویسنده مسئول)
rezazadeh296@outlook.com

سجاد رحیمیان بوگر
کارشناسی ارشد علوم اقتصادیِ دانشگاه تهران
sajad_rahimiyan@alumni.ut.ac.ir

چکیده

در نوشتار حاضر، با استفاده از الگوی داده‌های پانل برای ۳۴ کشور، طی دوره زمانی ۲۰۱۳ – ۱۹۹۶م، به بررسی نقش کیفیت نهادها و رانت منابع طبیعی بر رشد صادرات کشورهای در حال توسعه پرداخته‌ایم. نتایج دلالت بر وجود رابطه‌ای مستقیم بین بهبود کیفیت محیط نهادی و رشد صادرات در این دسته از کشورها دارند. همچنین، نتایج حاکی از وجود رابطه‌ای مثبت بین رانت منابع طبیعی و رشد صادرات هستند. این موارد مبیّن اهمیت نقش مؤلفه‌های غیرقیمتی در توضیح رفتار صادراتی کشورهای در حال توسعه و ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها به هنگام طرح‌ریزی برنامه‌های اقتصادی و تعیین اهداف سیاستی است.

طبقه‌بندی JEL: *O43, I25 , C33*.

واژه‌های کلیدی: *صادرات، کیفیت محیط نهادی، رانت منابع طبیعی، کشورهای در حال توسعه، پانل دیتا.*

*** تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۴**

۱. مقدمه

صادرات مؤلفه‌ای کاملاً تأثیرگذار بر فرآیند رشد و توسعه کشورهاست. این پدیده می‌تواند در تسریع، تعمیق و گسترش ابعاد مختلف فرآیند توسعه، به خصوص بعد اقتصادی، مؤثر باشد. به دلیل همین تأثیرات چندجانبه، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران توجه مضاعفی به نقش صادرات در حل مسائل کلان اقتصادی و دستیابی به سطوح پایدار و قابل قبول شاخص‌های اقتصاد کلان، همچون رشد اقتصادی، بیکاری و تراز پرداخت‌ها نموده‌اند. از دیگر سو، جهانی شدن و الزامات آن، کشورهای مختلف را ناگریز از توجه به توسعه تجارت و اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت تقویت مزیت‌های رقابتی و تشویق صادرات نموده است. اما شناخت عوامل مؤثر بر صادرات، پیش‌شرط اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت گسترش آن است. به همین سبب، شناسایی عوامل مؤثر بر صادرات از جمله مباحث موردتوجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده و هست.

در این خصوص مطالعات متعددی صورت گرفته و محققان نظرات مختلفی بیان کرده‌اند. بعضی صاحب‌نظران همچون عاصم اغلو (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که در کشورهای توسعه‌یافته، که از نهادهای[1] قوی برخوردارند، دانش فنی و بهره‌وری به شکلی درون‌زا رشد کرده و قدرت رقابت‌پذیری می‌تواند به صورت انعطاف‌پذیری تغییر کند. در این وضعیت، می‌توان انتظار داشت متغیرهای قیمتی، وظیفه علامت‌دهی را به طور مؤثر انجام دهند و مدل‌های اقتصادی بر حسب متغیرهای قیمتی تصریح و تفسیر شوند. بنابراین، در این دسته از کشورها، مدل‌سازی صادرات بیشتر بر مبنای متغیرهای قیمتی است. از سوی دیگر، محققانی مانند نورث[2] (۲۰۰۰) و گلاسر[3] (۲۰۰۴) اشاره می‌کنند که آن دسته از ویژگی‌های نهادی که کشورهای در حال توسعه را جهت سازمان‌دهی کسب و کارها، بهبود محیط سرمایه‌گذاری، تسهیل فرآیند تأمین مالی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری توانمند می‌سازند، با ضعف جدی مواجه هستند. بدین سبب توجه به نقش مؤلفه‌های نهادی، امری ضروری جهت تبیین پدیده‌های اقتصادی در این دسته از کشورهاست و اتخاذ راهکارهای مناسب

---

۱. داگلاس نورث، نهادها را قواعدی صریح یا ضمنی می‌داند که هنجارهای رفتاری را در یک جامعه تعیین می‌کنند. محیط نهادی شامل نهادهای غیررسمی و رسمی است. سنت‌های اجتماعی، باورهای عمومی، خرده فرهنگ‌های فعال و، در کل سرمایه اجتماعی، مثال‌هایی از نهادهای غیررسمی هستند، در حالی که قوانین و مقررات، سازمان‌های رسمی و دولت مثال‌هایی از نهادهای رسمی هستند. منظور از کیفیت نهادها، میزان توانایی آنها در ایجاد انگیزه برای انجام یافتن رفتارهای مطلوب اقتصادی، اجتماعی است.

2. D. North et. al

3. Glaeser et. al

جهت نیل به اهداف رشد و توسعه اقتصادی منوط به توجه به این ویژگی‌هاست.

در این مقاله در پی آن هستیم که رشد صادرات گروهی از کشورهای در حال توسعه را، طی دوره ۲۰۱۳ – ۱۹۹۶م با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل قیمتی و، همچنین، تأکید بر نقش مؤلفه‌های نهادی بررسی کنیم. به همین سبب، در بخش دوم مقاله مروری خواهیم داشت به بعضی از مطالعات صورت پذیرفته در زمینه عوامل مؤثر بر صادرات. بخش سوم، به مرور مبانی نظری موضوع اختصاص دارد. در بخش چهارم به معرفی متغیرها و مدل‌های به‌کار گرفته شده در پژوهش، تخمین ضرایب و تفسیر نتایج می‌پردازیم. خلاصه و نتیجه‌گیری نیز در بخش پایانی ارائه شده است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر گسترش تجارت پرداخته‌اند. خندوال و همکارانش[1] (۲۰۱۲)، اسکات و وی در مطالعه‌ای با عنوان «آزادسازی تجاری و اصلاحات نهادی، شواهدی از صادرکنندگان چینی» به بررسی تأثیر محدودیت‌های تجاری بر صادرکنندگان چینی پوشاک، در فاصلهٔ ۲۰۰۵– ۲۰۰۰ م پرداختند. نتایج آنان نشان می‌دهد که بهبود در عملکرد نهادهای ناکارآمدی که محدودیت‌های تجاری بر بنگاه‌های صادراتی اعمال می‌کنند و، به خصوص، رفع سهمیه‌بندی‌های تجاری و افزایش آزادی اقتصادی، تأثیری مثبت بر بهبود بهره‌وری، کاهش قیمت کالاهای صادراتی، افزایش رقابت‌پذیری و افزایش حجم صادرات دارند.

دگروت، لیندرز و سوبرامانیان[2] (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل نهادی تعیین‌کننده الگوهای تجارت دوجانبه» با به کارگیری مجموعه‌ای از متغیرها، همچون فاصله، وجود مرز مشترک، زبان و دین مشترک و جز اینها، به بررسی رابطه کیفیت محیط نهادی و حجم صادرات بیش از ۱۰۰ کشور در سال ۱۹۹۸ پرداختند. نتایج بر وجود تأثیر مثبت کیفیت محیط نهادی بر صادرات دلالت دارند. به عبارت دقیق‌تر، بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب از جمله افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی، ارتقای کارایی دولت و بهبود کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و نبود آشوب و کنترل فساد همگی می‌توانند در توسعه صادرات نقش‌آفرین باشند.

فرانسویز و مانچین[3] نیز در مطالعه خود با عنوان «کیفیت نهادی، زیرساخت‌ها و تمایل به تجارت» به بررسی رابطه گروهی از عوامل، از جمله کیفیت نهادی بر صادرات ۱۰۰ کشور، طی دوره ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۲ م،

1. Khandelwal and Schott and Wei
2. De Groot, Linders, Subramanian
3 . Francois and Manchin

پرداختند. آنان با کنترل تأثیر نرخ‌های تعرفه ترجیحی، وجود مرز مشترک و غیره بدین نتیجه رسیدند که افزایش آزادی اقتصادی تأثیر مثبت بر سطح صادرات و تمایل به صادارت دارد. مطابق تحلیل آنان، کنترل اندازه و مخارج دولت، سیستم قضایی که محافظ حقوق مالکیت باشد، آزادی عمل کارگزاران اقتصادی در تجارت بین‌المللی و کیفیت قانون‌گذاری در حوزه‌های کسب و کار، بازارهای سرمایه و بازار کار، بر وضعیت تجارت و صادرات تأثیر قابل توجه دارند.

همچنین، مئون و سکات[1] در مقاله‌ای با عنوان «آیا کیفیت نهادها، یکپارچگی کشورهای حوزه منا[2] در اقتصاد جهانی را محدود ساخته؟» بیان می‌دارند که کیفیت محیط نهادی عاملی مؤثر در توضیح عملکرد ضعیف صادراتی این دسته از کشورهاست. به نظر آنان درگیری‌های داخلی و خارجی، مداخله نظامیان در سیاست، بی‌ثباتی ساختار سیاسی، تنش‌های مذهبی و قومی، فساد و، در کل، بالا بودن سطح ریسک سیاسی این دسته از کشورها، تأثیر منفی بر حجم صادرات آنان داشته است.

رضاپور و امیری (۱۳۹۳)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ورود بنگاه‌ها به بازرگانی خارجی» با کمی‌سازی مفهوم سرمایه اجتماعی از طریق طرح پرسشنامه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از مدیران‌عامل بنگاه‌های صادرکننده خشکبار و بررسی رابطه ورود به بازرگانی خارجی و سرمایه اجتماعی می‌نمایند. نتایج آنان نشان می‌دهد که در اغلب موارد، بنگاه‌هایی به تجارت خارجی خشکبار وارد می‌شوند که با مشتریان خارجی خود دارای روابط خانوادگی یا دوستی‌های دیرینه هستند و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با ورود بنگاه‌ها به بازرگانی خارجی دارد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه این سرمایه اجتماعی در استمرار صادرات مفید بوده است؛ اما موجب شده است که بنگاه‌ها بیشتر با شیوه سنتی و مبتنی بر بازاریابی غیرفعال به امر صادرات مبادرت ورزند. برای غلبه بر این چرخه کارایی پایین، دولت می‌تواند از طریق تغییر در نهادهای رسمی و شیوه‌های اجرایی (مانند تضمین حقوق مالکیت نام تجاری، تشویق صادرکنندگان به شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی از طریق اعطای یارانه، بیمه‌های پوششی صادرات) و ایجاد شرایط نهادی مطمئن، از ایجاد نااطمینانی محیطی جلوگیری کرده و بستر مطمئنی را برای ورود بنگاه‌هایی با بازاریابی فعال فراهم کند.

---

1. Meon and Sekkat
2. MENA – Middle East and North Africa

نصیری اقدم و خراسانی (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان «اثر هزینه‌های تجارت[1] در اندازه تجارت خارجی» به طرح این پرسش می‌پردازند که آیا هزینه تجارت می‌تواند مبین اندازه تجارت میان کشورها باشد. در این خصوص، آنان رابطه بین حجم تجارت و هزینه‌های تجارت را در ۷۳ کشور در حال توسعه برای دوره زمانی ۲۰۱۱- ۲۰۰۵ م آزمون می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که پس از کنترل اثر اندازه اقتصادهای ملی، درجه باز بودن اقتصادها و هزینه‌های تعرفه‌ای، «هزینه‌های تجارت» علیت گرنجری اندازه تجارت هستند.

از دیگر مطالعات می‌توان به مقاله عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) اشاره کرد. نتایج آنان حکایت از اثر مثبت بهبود نهادهای عمومی حاکمیتی مانند کیفیت بوروکراسی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت و کنترل فساد بر رشد اقتصادی دارد. نتایج مطالعه مهرآرا و رضایی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که چنانچه کیفیت نهادها در کشورهای در حال توسعه کمتر از حد آستانه‌ای برآورد شده باشد، آزادسازی تجاری تأثیری منفی یا بی‌اهمیت بر نرخ رشد اقتصادی دارد.

۳. مبانی نظری

مطالعه مناسبات بین نهادها و تجارت، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. نهادها می‌توانند به‌طور مستقیم از طریق اثرگذاری بر تمایل کارگزاران اقتصادی به تجارت بین‌المللی و همچنین از کانال غیرمستقیم، با تأثیرگذاری بر آن دسته از متغیرهای اقتصادی مؤثر بر تجارت، گرایش به تجارت و حجم آن را متأثر سازند.

نهادها از طریق اثرگذاری بر بازده انتظاری تجارت خارجی، به‌طور مستقیم، حجم تجارت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اندرسون و یانگ[2] (۱۹۹۹) در تحلیلی نظری بیان می‌کنند که ضعف محیط نهادی کشورها در تضمین اجرای قراردادها، تأثیری همچون اعمال تعرفه بر تجار ریسک‌گریز دارد و لذا حجم تجارت را کاهش می‌دهد. رابرت و تایبوت[3] (۱۹۹۷) معتقدند که بحث تضمین اجرای قراردادها، به خصوص هنگامی که تجار دارای هزینه‌های سربار زیادی باشند، بسیار حائز اهمیت است. ضعف محیط نهادی در اعمال

---

۱. منظور از هزینه‌های تجارت، تمام هزینه‌هایی است که برای طی کردن فرآیندهای داد و ستد بین‌المللی ضرورت دارد. در تعریف وسیع، هزینه‌های تجارت شامل تمام هزینه‌هایی می‌شود که برای رساندن محصول به دست مصرف‌کننده نهایی ضرورت دارد و البته شامل هزینه‌های تولید نمی‌شود. این هزینه‌ها شامل موانع سیاستی (همچون موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای مانند سهمیه‌بندی‌های تجاری)، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های اطلاعات، هزینه‌های تضمین و اجرای قراردادها، هزینه‌های قانونی اعمال شده از سوی نهادهای نظارتی، هزینه‌های توزیع منطقه‌ای (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) و غیره است.

2. Anderson and Young

3. Robert and Tybout

قراردادها، با افزایش این هزینه‌ها، به بروز مشکلات عمده‌ای در توانایی تداوم تجارت منجر می‌شود و، در نتیجه، تأثیر گسترده‌ای بر تجارت دارد. رودریک[1] (۲۰۰۲) نیز اظهار می‌دارد که مسئله ضعف در اعمال قراردادها، یکی از موانع اصلی در گسترش تجارت بین‌المللی است. این مسئله، به خصوص در مبادلات بین-المللی که طرفین قرارداد از کشورهای مختلف و تحت نظام‌های قضایی و سیاسی متفاوت هستند اهمیت فراوانی دارد. اندرسون و مارکولر[2] (۲۰۰۲) شواهدی تجربی دال بر اثرگذاری کیفیت محیط نهادی بر حجم تجارت ارائه داده‌اند. مطابق نظر آنان، ضعف محیط نهادی موجب افزایش قیمت کالاهای صادراتی می‌شود. این امر موجب کاهش تقاضای خارجی و، بالطبع، کاهش صادرات می‌شود. همچنین، آنان بیان می‌کنند که تأثیر نهادها بر ریسک‌های مرتبط با مبادلات بین‌المللی، می‌تواند از دیگر کانال‌های اثرگذاری نهادها بر تجارت بین‌المللی باشد. ناامنی موجب می‌شود، حتی در صورت وجود منافع دوطرفه، تجارت صورت نپذیرد. ناامنی نه تنها تأثیری مستقیم بر کاهش حجم تجارت دارد، بلکه از طریق ایجاد انحراف در تخصیص بهینه منابع، عوامل تولید را از بخش‌های مولد به بخش دفاع از حقوق مالکیت سوق می‌دهد. بنابراین، نهادهای قوی که مانع بروز ناامنی‌های گسترده شوند به گسترش صادرات کمک می‌کنند (اندرسون و مارکولر، ۱۹۹۷).

لمبسدورف[3] آورده است که نهادهای ضعیف علاوه بر کاهش حجم تجارت، موجب انحراف توزیع جغرافیایی تجارت نیز می‌شوند. مطالعات وی نشان می‌دهد که صادرات بعضی کشورها، همانند بلژیک، فرانسه، ایتالیا، هلند و کره‌جنوبی، به کشورهای بیش از حد فاسد، به شکلی پایدار، بیش از اندازه متعارف است. از سوی دیگر کشورهایی همانند سوئد و مالزی تمایل کمتری به تجارت با کشورهای فاسد دارند.

نهادها، علاوه بر تأثیرات مستقیم خود بر تجارت، می‌توانند از طریق اثرگذاری بر مؤلفه‌های مؤثر بر تجارت، جریان تجارت را متاثر سازند. به باور بسیاری از محققان، سرمایه‌گذاری از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر تجارت است (رودریک، ۱۹۹۵؛ البداوی، ۱۹۹۸). از دیگر سو، مطابق نظر بسیاری از صاحب‌نظران، کیفیت نهادها از جمله عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری است (برنتی و ودر[4]، موآرو[5]، ۱۹۹۵؛ کاک و کیفر[6]، ۱۹۹۵). این امر بر اثرگذاری غیرمستقیم کیفیت نهادها بر تجارت دلالت دارد. به علاوه، بعضی محققان بر این

1. Rodrik
2. Anderson and Marcouiller
3. Lambsdoff, J.
4. Brunetti and Weder
5. Mauro
6. Knack and Keefer

عقیده‌اند که نهادهای ضعیف اثر منفی بر بهره‌وری و رشد آن دارند (هال و جونز، ۱۹۹۹؛ اولسن و دیگران، ۲۰۰۰). بهره‌وری اندک از جمله موانع در ایجاد توان رقابتی است. در نتیجه، کشورهایی با محیط نهادی ضعیف دچار مشکلات عمده‌ای در ارتقای بهره‌وری و افزایش توان رقابتی هستند. بالطبع گسترش صادرات و حجم تجارت در این کشورها با موانع بیشتری مواجه است. اما بررسی اثرات کیفیت محیط نهادی بر عملکرد اقتصادی کشورها، صرفاً به بررسی تأثیر آنها بر تجارت محدود نشده است. مطالعه رابطه کیفیت محیط نهادی و رشد اقتصادی، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است.

با نگاهی به شاخص‌های اقتصادی در کشورهای مختلف، تفاوت‌های گسترده‌ای در عملکرد اقتصادی کشورها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، اختلافی فاحش بین درآمد سرانه کشورهای فقیر و غنی وجود دارد. طبق بررسی بانک جهانی در سال ۲۰۱۴م، درآمد سرانه جمهوری دموکراتیک کنگو به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵، معادل ۳۰۰ دلار آمریکا بوده است. ارقام مشابه برای نروژ و سوئیس به ترتیب معادل ۶۷۰۰۰ و ۵۹۰۰۰ دلار است.

این تفاوت‌های گسترده در عملکرد اقتصادی کشورها، توجه بسیاری از اقتصاددانان و سیاست‌گذاران را در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است. لذا توضیح چگونگی بروز این اختلاف عملکردها و نیز ارائه راهکارهایی برای کاهش آنها، از اساسی‌ترین مباحث مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران طی سال‌های متمادی بوده است.

نظریات ارائه شده در این خصوص را می‌توان به سه گروه عمده دسته‌بندی کرد. گروه نخست نظریاتی هستند که نقش اساسی در توضیح تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها را به عوامل جغرافیایی نسبت می‌دهند. گروه دوم بر نقش تجارت بین کشوری تأکید دارند و دیدگاه سوم، کیفیت نهادها را عامل اصلی در تبیین اختلاف عملکرد اقتصادی کشورها می‌دانند.

طبق دیدگاه اول، تأثیرگذاری عوامل جغرافیایی بر سطح توسعه کشورها، فرضیه‌ای بسیار قانع‌کننده است. تقریباً تمام کشورهای کمتر توسعه یافته دنیا در اطراف کمربند استوا قرار دارند. به عبارت دیگر، همبستگی منفی قوی بین نزدیکی به استوا و سطح توسعه‌یافتگی وجود دارد. طبق این دیدگاه، دسترسی به آب‌های آزاد نیز دیگر عامل جغرافیایی است که می‌تواند تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها را توضیح دهد. طرفداران دیدگاه دوم بر نقش تجارت بین کشوری و تأثیر آن بر همگرایی کشورها تأکید دارند. طبق این دیدگاه، کاهش اختلاف بهره‌وری عوامل تولید در کشورهای مختلف که در نتیجه یکپارچگی بیشتر کشورها و تخصصی شدن هر کشور در تولید و توزیع بعضی محصولات به وقوع می‌پیوندد، ضمن بهبود وضعیت کل کشورها، باعث کاهش اختلاف عملکرد اقتصادی کشورها نیز می‌شود. سرانجام، دیدگاه سوم

نیز نهادها و، به خصوص، نهادهای حافظ حقوق مالکیت و تضمین‌کننده قانون‌مداری را هسته اصلی فرآیند تبیین عملکرد اقتصادی کشورها می‌داند. طرفداران این دیدگاه بر نقش هنجارهای رفتاری و ساختارهای انگیزشی، اعم از رسمی و غیررسمی، در توضیح عملکرد اقتصادی کشورها تأکید دارند.

اینک این سؤال مطرح می‌شود که کدام دسته از نظریات، قدرت بیشتری در توضیح عملکرد اقتصادی کشورها دارند. در پاسخ به این سؤال، رودریک و همکاران (۲۰۰۲) با استفاده از تحلیل رگرسیون به نتایج شایان توجهی رسیدند. آنها دریافتند که در توضیح اختلاف سطح درآمد کشورها، کیفیت نهادها عامل مسلط و اصلی است. به زبان فنی، در یک مدل اقتصادسنجی در صورت کنترل نسبت به کیفیت نهادها، جغرافیا در بهترین حالت، یک اثر ضعیف بر درآمد سرانه دارد. تجارت نیز اثر مستقیمی بر سطح درآمد ندارد اما دارای اثری معنی‌دار بر کیفیت نهادهاست. بررسی‌های تجربی مک فارلین و همکاران[1] (۲۰۰۳) نیز نشان می‌دهد که کیفیت نهادها، عامل توضیح‌دهنده بسیار خوبی برای تبیین تفاوت در سطح درآمد سرانه کشورهاست، به گونه‌ای که شاخص کیفیت حکمرانی به تنهایی نزدیک به سه چهارم تغییرات در سطح درآمد سرانه کشورها را توضیح می‌دهد. عاصم اوغلو و همکاران (۲۰۰۱)، تحلیلی تاریخی برای بررسی روایی[2] برتری فرضیه نهادها در مقابل فرضیه جغرافیا ارائه نموده‌اند. آنها سیر حوادث تاریخی را پیگیری می‌کنند که طی سده‌های گذشته، بدون تأثیر بر وضعیت جغرافیایی کشورها، کیفیت نهادها را در این کشورها تغییر داده و موجب تغییر در وضعیت درآمد آنها شده است. مقایسه سطح توسعه‌یافتگی مستعمره‌های سابق اروپاییان در قرن پانزدهم و دهه پایانی قرن بیستم نشان می‌دهد که در نقاطی چون کانادا، استرالیا و آمریکا، استعمارگران اروپایی مهاجرت گسترده و اقامت دائم را برگزیدند و به تکوین نهادهای رشدمدار و توسعه‌پرور، همچون نهادهای حافظ حقوق مالکیت و تضمین اجرای قراردادها، نهادهای تأمین‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی پرداختند. بنابراین، این کشورها در مسیر توسعه اقتصادی گام نهادند. در مقابل، در کشورهایی همچون منطقه کارائیب در آمریکای مرکزی، کنگو و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی، استعمارگران صرفاً استخراج معادن و برده‌داری را مدّنظر داشتند و مهاجرت گسترده و اقامت دائم مورد توجه آنان نبوده است. در این دسته از کشورها، نهادها در راستای استخراج وسیع منابع طبیعی سامان داده شدند و نه حفاظت از حقوق مالکیت و خلق مشروع ثروت. پس این کشورها با بنیان‌های نهادی ضعیفی مواجه‌اند و به کندی در مسیر توسعه اقتصادی حرکت می‌نمایند.

1 McFarlin et. al.
2. validity

تحلیل آنان نشان می‌دهد که چگونه به‌رغم ثبات محیط جغرافیایی، سیر تکوین محیط نهادی، توسعه و رشد بلندمدت اقتصادی را در بعضی کشورها تسهیل نموده و در گروهی دیگر، فقر و تنگدستی به بار آورده است.

تحلیل کسانی مانند ناک و کیفر (۱۹۹۵) و نورث (۱۹۹۵) نیز مؤید این مطلب است که محیط نهادی که از حقوق مالکیت محافظت و اجرای قراردادها را تضمین و سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و خلق مشروع ثروت را تشویق کند و موجبات ارج قانون و پایبندی به مقررات در سطوح مختلف جامعه را فراهم آورد، اصلی‌ترین عاملی است که منجر به عملکرد مطلوب اقتصادی اجتماعی می‌شود. ضعف یا نبود چنین محیط نهادی، عامل اصلی اُفت عملکرد اقتصادی در کشورهای مختلف است.

ادواردز (۱۹۹۲) و هریسون[1] (۱۹۹۶) اشاره می‌کنند که با افزایش هم‌گرایی‌های تجاری در مناطق مختلف جهان، تأثیرپذیری کشورها از روندهای اقتصادی برون‌مرزی افزایش یافته است. به خصوص در آن دسته از کشورها که استراتژی توسعه صادارت را به عنوان موتور محرک اقتصاد ملی انتخاب نموده‌اند و در مسیر کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر جریان تجارت خارجی و کاهش محدودیت‌ها بر حساب سرمایه و جریان سرمایه گام نهاده‌اند. در این دسته از کشورها، رونق و افزایش رشد اقتصادی در کشورهای طرف تجاری می‌تواند منجر به افزایش تقاضای واردات برای کالاها و خدمات صادراتی کشورهای مذکور گردد. صادرات کشورها نه تنها به بهره‌وری و رقابت‌پذیری بخش‌های صادراتی کشورهای صادرکننده، بلکه به تقاضا برای واردات از سوی کشورهای واردکننده نیز بستگی دارد. تقاضا برای واردات نیز خود تابعی از عوامل مختلف از جمله وضعیت رونق و رشد اقتصادی کشورهای مذکور است.

۴. معرفی متغیرها، تصریح مدل‌ها و ارائه نتایج

۴-۱. معرفی متغیرها

در اینجا به معرفی متغیرهای استفاده‌شده در مدل‌سازی‌ها می‌پردازیم. در جدول (۱)، خلاصه‌ای از توضیحات مربوط به متغیرها شامل نماد، نام و منبع آنها ارائه شده است.

جدول ۱. معرفی متغیرها

نماد	توضیحات	منبع
World_growth	رشد gdp جهان	World bank
Gdp_growth	رشد gdp	World bank

1. Edwards and Harrison

Labor_product_growth	رشد بهره‌وری نیروی کار که بهروه‌وری برابر است با: $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{تعداد نیروی کار شاغل}}$ با گردآوری آمار نیروی کار شاغل از سازمان بین‌المللی کار و تولید ناخالص داخلی از بانک جهانی شاخص اخیر محاسبه گردید.	International labor organization World bank
Nr_rent_growth	رشد رانت منابع طبیعی منابع طبیعی شامل نفت، گاز، ذغال سنگ، معادن، جنگل‌ها رانت منابع طبیعی برابر است با: $\frac{\text{هزینه استحصال منابع طبیعی} - \text{درآمد فروش منابع طبیعی}}{GDP}$	World bank
Inflation	تورم	World bank
Exchange_rate_growth	رشد نرخ ارز حقیقی مؤثر	مقاله Darvas Zsolt
Real_interest_rate	نرخ بهره حقیقی، که برابر است با: تورم − نرخ بهره اسمی	World bank
Iq	کیفیت حکمرانی ۲٫۵-: حکمرانی بسیار ضعیف ۲٫۵+: حکمرانی بسیار خوب میانگین ساده شاخص‌های «کنترل فساد[1]»، «ثبات و نبود خشونت[2]»، «کارائی دولت[3]»، «کیفیت قانون‌گذاری[4]»، «حاکمیت قانون[5]» و «شفافیت و پاسخ‌گویی[6]» می‌باشد که توسط محققان محاسبه شده	World bank governance indicators
Economic_freedom_fraser	آزادی اقتصادی (شاخص فریزر) صفر: کمترین آزادی اقتصادی ۱۰: بیشترین آزادی اقتصادی شاخصی ترکیبی است که با توجه به مؤلفه‌های «نظام حقوقی و حفاظت از حقوق مالکیت[7]»، «آزادی تجارت بین‌المللی[8]»، «اندازه دولت[9]» و «وضعیت پولی[10]» و «قانون‌گذاری[11]» محاسبه می‌شود.	Fraser institute

1. Control of Corruption
2. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism
3. Government Effectiveness
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Voice and Accountability
7. Legal System and Security of Property Rights
8. Freedom to Trade Internationally
9. Size of Government
10. Sound Money
11. Regulation

economic_freedom	آزادی اقتصادی صفر: کمترین آزادی اقتصادی ۱۰۰: بالاترین آزادی اقتصادی شاخصی ترکیبی است که میانگین ساده شاخص‌های «آزادی کسب و کار[۱]»، «آزادی سرمایه‌گذاری[۲]»، «آزادی نیروی کار[۳]»، «آزادی سیاست پولی[۴]»، «آزادی سیاست مالی[۵]»، «حقوق مالکیت[۶]»، «مخارج دولت[۷]» و «آزادی مالی[۸]» می‌باشد. جهت پرهیز از بروز هم‌خطی، ما جزء «رهایی از فساد[۹]» را که از اجزای متغیر آزادی اقتصادی است و با جزء «کنترل فساد[۱۰]» متغیر IQ مشابه می‌باشد را از محاسبات آزادی اقتصادی حذف نموده‌ایم.	Heritage foundation
Iq_exchange_rate_g	جز تعاملی (حاصل‌ضرب) متغیرهای Iq و exchange_rate_growth	_
Fragility	شاخص شکنندگی حاکمیت[۱۱] صفر: شکنندگی بسیار کم ۲۵: شکنندگی بسیار زیاد شاخصی ترکیبی است که از مجموع نمرات شاخص‌های «کارایی اجتماعی[۱۲]»، «قانونمندی اجتماعی[۱۳]»، «کارائی سیاسی[۱۴]»، «قانونمندی سیاسی[۱۵]»، «کارایی اقتصادی[۱۶]»، «قانونمندی اقتصادی[۱۷]»، «کارایی امنیتی[۱۸]» و «قانونمندی امنیتی[۱۹]» حاصل شده.	مؤسسه systemicpeace
Fragility_exchange_r_g	جز تعاملی (حاصل‌ضرب) متغیرهای Fragility و exchange_rate_growth	_
Export_growth	رشد صادرات کالاها و خدمات	World trade organization

مأخذ: محاسبات تحقیق

1. Business Freedom
2. Investment Freedom
3. Labor Freedom
4. Monetary Freedom
5. Fiscal Freedom
6. Property Rights
7. Government Spending
8. Financial Freedom
9. freedom from corruption
10. control of corruption
11. state fragility index
12. Social Effectiveness
13. Social Legitimacy
14. Political Effectiveness
14. Political Legitimacy
16. Economic Effectiveness
17. Economic Legitimacy
18. Security Effectiveness
19. Security Legitimacy

با توجه به نواقص متعدد اطلاعات اکثر کشورهای در حال توسعه، در نهایت، داده‌های متغیرهای فوق برای ۳۴ کشور به شرح ذیل گردآوری گردیده است:

آلبانی، الجزایر، آنگولا، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، بولیوی، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، ساحل عاج، جمهوری دومینیکن، اکوادور، مصر، السالوادر، گرجستان، گواتمالا، گینه، هندوراس، اندونزی، ایران، اردن، قزاقستان، مراکش، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، رومانی، سریلانکا، سوریه، تایلند، تونس و اوکراین.

۴-۲. بررسی مانایی متغیرها

مانا بودن متغیرها از جمله نکات مهم در تخمین‌های اقتصادسنجی است. مانایی یک متغیر به این معنی است که امید ریاضی و واریانس آن در طی زمان ثابت باشد و کوواریانس متغیر فقط به وقفه بستگی داشته باشد. مانا بودن متغیر آن را قابل پیش‌بینی می‌نماید. اگر متغیرها این ویژگی را نداشته باشند، نتایج آزمون‌های آماری متعارف که اساس آنها بر پایه توزیع‌های t، F و کای‌دو است مورد تردید واقع می‌شوند. نامانایی متغیرها به بروز رگرسیون‌های کاذب منجر می‌شود، در این حالت با اینکه رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد، ضریب تعیین (R^2) معادلات، بالا به دست می‌آید و محقق ممکن است در استنباط ارتباط متغیرها دچار اشتباه شود. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های ریشه واحد استفاده می‌شود. در این آزمون‌ها، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد یا نامانائی متغیر مورد بررسی است و فرضیه مقابل، نبود ریشه واحد یا مانایی متغیر مدّنظر است. در ادامه، نتایج حاصل از آزمون‌های مانایی بر روی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های مانایی

نماد	معیار				نتیجه
	LLC	IPS	ADF	PP	
Export_growth	−۱۰٫۸۳ (۰٫۰۰۰)	−۱۰٫۸۲ (۰٫۰۰۰)	۲۴۴ (۰٫۰۰۰)	۴۹۲ (۰٫۰۰۰)	مانا
Exchange_rate_growth	−۵٫۴۶ (۰٫۰۰۰)	−۸٫۹۰۲ (۰٫۰۰۰)	۲۰۸ (۰٫۰۰۰)	۶۹۴ (۰٫۰۰۰)	مانا
World_growth	−۱۶٫۹۰۱ (۰٫۰۰۰)	−۱۲٫۰۵ (۰٫۰۰۰)	۲۶۸ (۰٫۰۰۰)	۳۲۴ (۰٫۰۰۰)	مانا
Gdp_growth	−۷٫۰۴ (۰٫۰۰۰)	−۷٫۸۲ (۰٫۰۰۰)	۱۸۵ (۰٫۰۰۰)	۴۰۱ (۰٫۰۰۰)	مانا
Labor_product_growth	−۴٫۴۹	−۵٫۶۸	۱۴۳	۳۶۴	مانا

	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	
مانا	۵۰۵ (۰,۰۰۰)	۳۱۳ (۰,۰۰۰)	−۱۴,۰۲ (۰,۰۰۰)	−۱۶,۹۶ (۰,۰۰۰)	Nr_rent_growth
مانا	۲۳۱۰ (۰,۰۰۰)	۵۳۰ (۰,۰۰۰)	−۱۴,۶۲ (۰,۰۰۰)	۱۰۸ (۱,۰۰۰)	Inflation
مانا	۲۸۴ (۰,۰۰۰)	۱۷۰ (۰,۰۰۰)	−۷,۰۲ (۰,۰۰۰)	−۷,۶۷ (۰,۰۰۰)	Real_interest_rate
نامانا	۸۱ (۰,۱۳)	۶۸ (۰,۴۶)	−۰,۰۳ (۰,۴۸)	−۱,۷۰۷ (۰,۰۴۳)*	economic_freedom
مانا	۴۶۸ (۰,۰۰۰)	۱۹۳ (۰,۰۰۰)	−۸,۰۹ (۰,۰۰۰)	−۶,۶۷ (۰,۰۰۰)	economic_freedom_1 تفاضل اول متغیر economic_freedom
مانا	۱۰۲ (۰,۰۰۴)*	۸۵ (۰,۰۷۸)**	−۱,۱۹ (۰,۱۱۶۸)	−۶,۲۷ (۰,۰۰۰)*	Iq
مانا	۲۱۱ (۰,۰۰۰)	۱۸۴ (۰,۰۰۰)	−۸,۱۳ (۰,۰۰۰)	−۲۲ (۰,۰۰۰)	Iq_exchange_rate_g
مانا	۱۴۱ (۰,۰۰۰)	۱۲۳ (۰,۰۰۰)	−۳,۴۱ (۰,۰۰۰)	−۷,۵ (۰,۰۰۰)	Economic_freedom_fraser
نامانا	۶۹ (۰,۲۵۱)	۶۱ (۰,۴۷۸)	۰,۲۸ (۰,۶۱۳)	−۲,۹۱ (۰,۰۰۱)*	Fragility
مانا	۲۵۳ (۰,۰۰۰)	۱۱۲ (۰,۰۰۰)	−۴,۳۶ (۰,۰۰۰)	−۳,۸۶ (۰,۰۰۰)	Fragility_1 تفاضل اول متغیر Fragility
مانا	۲۱۹ (۰,۰۰۰)	۱۲۱ (۰,۰۰۰)	−۴,۳۱ (۰,۰۰۰)	−۴,۰۷ (۰,۰۰۰)	Fragility_exchange_r_g

اعداد درون پرانتز، نمایانگر احتمال (Prob) می‌باشند. * : مانا در سطح معنی‌داری ۰,۰۵** : مانا در سطح معنی‌داری ۰,۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

شایان ذکر است که معیار نتیجه‌گیری در پژوهش حاضر بدین صورت است که هر متغیری که حداقل بر طبق دو معیار از چهار معیار LLC[1]، IPS[2]، ADF[3] و PP[4] مانا باشد، مانا لحاظ می‌گردد.

1. Levin, Lin & Chu
2. Im, Pesaran & Shin
3. ADF – Fisher Chi-square
4. PP – Fisher Chi-square

۴-۳. تصریح مدل‌ها و ارائه نتایج

ما چهار مدل جهت بررسی اثر محیط نهادی بر رشد صادرات در کشورهای درحال توسعه منتخب، برگزیده‌ایم. از آنجا که در ادبیات اقتصادی، محققان از متغیرهای متنوعی به عنوان پراکسی کیفیت محیط نهادی استفاده کرده‌اند[1]، در تحقیق حاضر نیز سعی بر آن بوده که از متغیرهای متنوعی استفاده شود. در دو مدل نخست، متغیر Iq (شاخص کیفیت حکمرانی بانک جهانی) به عنوان پراکسی کیفیت محیط نهادی منظور می‌گردد. ضمن آنکه از متغیر economic_freedom (شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج) به عنوان پراکسی آزادی اقتصادی استفاده می‌نماییم. جهت بررسی حساسیت نتایج، در مدل‌های سوم و چهارم با تغییر پراکسی‌های کیفیت محیط نهادی و آزادی اقتصادی، به ترتیب از متغیرهای Fragility (شاخص شکنندگی حاکمیت مؤسسه systemic peace) و economic_freedom_fraser (شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر) استفاده می‌کنیم.

شایان ذکر است که به روزترین اطلاعات متغیر Iq، به عنوان اصلی‌ترین متغیر مدل‌های یک و دو، از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۳م در دسترس بوده و اجرای مدل‌های فوق در بازه مذکور صورت پذیرفته است. همچنین از آنجا که جدیدترین اطلاعات متغیر Fragility، به عنوان اصلی‌ترین متغیر مدل‌های سه و چهار، تا سال ۲۰۱۲ در دسترس می‌باشد، مدل‌های مذکور برای دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲م اجرا گردیده‌اند.

به‌رغم وجود بعضی وجوه مشترک بین مفاهیم کیفیت محیط نهادی و آزادی اقتصادی، تفاوت‌های قابل توجه این دو مفهوم در گستره شمول آنها، ما را به استفاده از دو متغیر مجزا جهت کمی نمودن این دو مفهوم رهنمون ساخته است. مطابق تعریف بنیاد هریتیج، آزادی اقتصادی به حق بنیادینِ هر فرد جهت کنترل توان کاری و دارایی خود اشاره دارد. این مفهوم، بر آزادی افراد جهت کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری مطابق ترجیحات خود دلالت دارد. در حالی که در ادبیات اقتصادی، صاحب‌نظرانی همچون نورث و عاصم‌اغلو، محیط نهادی را مجموعه‌ای از قواعد رسمی یا غیر رسمی می‌دانند که نحوه تعامل انسان‌ها را شکل می‌دهند و از مقررات رسمی تا سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی و مذهبی را شامل می‌شوند. کیفیت محیط نهادی به توانایی این هنجارهای رسمی و غیررسمی در تنظیم تعاملات افراد و بهبود عملکرد اجتماعی اطلاق دارد. بنابراین، در حالی که مفهوم آزادی اقتصادی بیشتر بر مؤلفه‌های اقتصادی تأکید دارد، کیفیت محیط نهادی دارای مفهومی

---

۱. به عنوان مثال نگاه کنید به پیشینهٔ پژوهش.

جامع‌تر است و مؤلفه‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. این تفاوت در مفاهیم کیفیت محیط نهادی و آزادی اقتصادی با نگاه به اجزای تشکیل دهنده آنها بیشتر عیان می‌گردد[۱]. در تحقیق حاضر، ما با استفاده از هر دو متغیر مذکور، در پی آنیم که تا حد امکان، اثر همه مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی را بر رشد صادرات کشورهای تحت بررسی لحاظ کنیم.

در همه مدل‌ها از متغیرهای رشد نرخ ارز حقیقی، رشد gdp جهان، رشد gdp کشور، رشد بهره‌وری نیروی کار، تورم و نرخ بهره حقیقی استفاده و اثر کیفیت محیط نهادی بر رشد صادرات، با کنترل اثر متغیرهای فوق بر رشد صادرات حاصل شده است.

پیش از تخمین همه مدل‌ها، آزمون‌های لیمر و هاسمن انجام پذیرفته است. در آزمون لیمر، فرضیه صفر بر استفاده از روش Pooling data و فرضیه مقابل بر استفاده از روش Panel data دلالت دارد. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر بر استفاده از روش Random effect و فرضیه مقابل بر استفاده از روش Fixed effect تأکید می‌کند. آماره‌های حاصل از آزمون‌ها به شرح زیر است:

جدول ۳. نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن

	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴
آزمون لیمر	۲,۶۹	۲,۷۰	۳,۵۸	۳,۵۷
آزمون هاسمن	۴۰,۱	۳۸,۳	۲۸,۴	۳۶,۴
نتیجه	پانل –اثرات ثابت	پانل –اثرات ثابت	پانل –اثرات ثابت	پانل –اثرات ثابت

مطابق نتایج، تمامی فرضیه‌های صفر (در همه آزمون‌های لیمر و هاسمن) در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ رد می‌شوند.

مدل ۱:

$$Export_growth_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 * Exchange_rate_growth_{i,t} + \beta_2 * World_growth_{i,t} + \beta_3 * Gdp_growth_{i,t} + \beta_4 * Labor_product_growth_{i,t} + \beta_5 * Nr_rent_growth_{i,t} + \beta_6 * Inflation_{i,t} + \beta_7 * Real_interest_rate_{i,t} + \beta_8 * Economic_freedom_1_{i,t}$$

مدل ۲:

$$Export_growth_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 * Exchange_rate_growth_{i,t} + \beta_2 * World_growth_{i,t} + \beta_3 * Gdp_growth_{i,t} + \beta_4 * Labor_product_growth_{i,t} + \beta_5 * Nr_rent_growth_{i,t} + \beta_6 * Inflation_{i,t} + \beta_7 * Real_interest_rate_{i,t} + \beta_8 * Economic_freedom_1_{i,t} + \beta_9 * Iq_{i,t} + \beta_{10} * Iq_exchange_rate_g_{i,t}$$

۱. نگاه کنید به بخش **۴-۱ (معرفی متغیرها)**

مدل ۳:

$$Export_growth_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 * Exchange_rate_growth_{i,t} + \beta_2 * World_growth_{i,t} + \beta_3 * Gdp_growth_{i,t} + \beta_4 * Labor_product_growth_{i,t} + \beta_5 * Nr_rent_growth_{i,t} + \beta_6 * Inflation_{i,t} + \beta_7 * Real_interest_rate_{i,t} + \beta_8 * Economic_freedom_fraser_{i,t}$$

مدل ۴:

$$Export_growth_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 * Exchange_rate_growth_{i,t} + \beta_2 * World_growth_{i,t} + \beta_3 * Gdp_growth_{i,t} + \beta_4 * Labor_product_growth_{i,t} + \beta_5 * Nr_rent_growth_{i,t} + \beta_6 * Inflation_{i,t} + \beta_7 * Real_interest_rate_{i,t} + \beta_8 * Economic_freedom_fraser_{i,t} + \beta_9 * Fragility_1_{i,t} + \beta_{10} * Fragility_exchange_rate_g_{i,t}$$

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۴. نتایج تخمین ضرایب مدل‌ها

متغیر توضیحی	متغیر وابسته: export_growth			
	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴
Exchange_rate_growth	−۹,۷۹ (−۵,۹۱)*	۰,۰۰۰۴۴ (۰,۸۳)	−۷,۳۰۴ (−۳,۳۰۷)*	۰,۰۰۳۱ (۱,۷۷)**
World_growth	۴,۱۹ (۹,۷۲)*	۴,۳۰۰۵ (۱۰,۲۲)*	۴,۲۲ (۹,۳۰۰۷)*	۴,۵۵ (۸,۸۴)*
Gdp_growth	۱,۰۷ (۴,۱۷)*	۰,۷۶ (۲,۷۲)*	۰,۹۰۸ (۲,۶۳)*	۰,۹۷ (۲,۷۵)*
Labor_product_growth	۰,۴۷ (۳,۹۴)*	۰,۶۳ (۴,۱۷)*	۰,۴۸ (۲,۶۰۹)*	۰,۳۷ (۲,۶۳)*
Nr_rent_growth	۰,۰۴۹۰۶ (۴,۷۴)*	۰,۰۴۷۶ (۴,۷۹)*	۰,۰۴۹۷ (۴,۲۰۹)*	۰,۰۵۱۳ (۳,۵۷)*
Inflation	−۰,۰۰۸۷ (−۱,۴۷)	−۰,۰۰۶ (−۱,۹۸)*	−۰,۰۶۴۸ (−۱,۳۶۹)	−۰,۱۴۵ (−۱,۵۰۹)
Real_interest_rate	−۰,۳۷ (−۴,۹۳)*	−۰,۴۵ (−۴,۷۸)*	−۰,۴۸۵ (−۳,۹۹)*	−۰,۵۰۰۷ (−۲,۵۹)*
Economic_freedom_1 تفاضل اول متغیر Economic_freedom	۰,۲۲۲۷ (۴,۰۷)*	۰,۲۲۳۲ (۳,۵۴)*	–	–

Iq	–	۵,۵۱ (۲,۵۲)*	–	–
Iq_exchange_rate_g جز تعاملی متغیرهای Iq و exchange_rate_growth	–	۰,۰۰۰۹۳ (۱,۸۵۱۶)**	–	–
Economic_freedom_fraser	–	–	۳,۶۲۳ (۳,۴۵)*	۳,۸۳۹ (۳,۸۷)*
Fragility_1 تفاضل اول متغیر Fragility	–	–	–	−۰,۹۸ (−۱,۸۵۰۶)**
Fragility_exchange_r_g جز تعاملی متغیرهای Fragility و exchange_rate_growth	–	–	–	−۰,۰۰۰۳۵ (−۱,۷۷)**

اعداد درون پرانتز، آماره t-student می‌باشند. * : معنی‌دار در سطح ۰,۰۵ ** : معنی‌دار در سطح ۰,۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

مطابق نتایج حاصل از مدل یک، همه متغیرها بجز تورم، رابطه معنی‌دار با رشد صادرات دارند. رشد نرخ ارز رابطه معکوس با رشد صادرات دارد. این می‌تواند نشان از تأثیر منفی تلاطم‌های مکرر نرخ ارز بر صادرات این دسته از کشورها داشته باشد. رشد gdp کشورها و جهان (رونق اقتصاد داخلی یا جهان) رابطه مستقیم با رشد صادرات دارد. این مطلب حاکی از تأثیر مثبت رشد اقتصادی بر حجم صادرات کشورهای مورد مطالعه است. رشد بهره‌وری نیروی کار و رشد رانت منابع طبیعی نیز رابطه تنگاتنگ با رشد صادرات دارند. این مطلب از تأثیر مثبت ارتقای کارایی نیروی کار بر رشد صادرات کشورهای منتخب حکایت و بر لزوم توجه به بهبود مؤلفه‌های انگیزشی نیروی کار، همچون دستمزد و مزایا، آموزش و بهداشت تأکید می‌کند. از آنجا که بیشتر کشورهای مورد بررسی، در گروه کشورهای غنی از منابع طبیعی جای دارند، نتایج نشان می‌دهد که بهره‌مندی از ذخایر منابع طبیعی تأثیر مثبت بر صادرات آنها داشته است. می‌توان گفت که افزایش عایدات حاصل از منابع طبیعی، با فراهم آوردن منابع مالی لازم جهت تقویت بخش‌های تولیدی، توان تولیدی وصادراتی کشورها را تقویت کرده و به افزایش ظرفیت‌های صادراتی منجر می‌شود. نرخ بهره حقیقی رابطه عکس با رشد صادرات دارد. بدین معنا که افزایش نرخ بهره حقیقی به کاهش رشد صادرات می‌انجامد. می‌توان دشوارتر شدن وضعیت تأمین مالی بنگاه ها و تأثیر آن در کاهش توان تولیدی و عملکرد بنگاه‌ها را از جمله علت‌های این رابطه منفی برشمرد. در نهایت، افزایش آزادی اقتصادی رابطه مستقیم با رشد صادرات دارد. این بدین معنی

است که در کشورهای مورد بررسی، با افزایش آزادی عمل کارگزاران اقتصادی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی خود و کاهش مداخلات دولتی، توان صادراتی کشورها ارتقا یافته است.

در مدل نخست، صرفاً بر بررسی رابطه مؤلفه‌های اقتصادی با رشد اقتصادی تمرکز نمودیم. در مدل دوم، با وارد نمودن متغیر Iq، نقش مؤلفه‌های نهادی را در توضیح صادرات کشورهای تحت بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم.

با توجه به نتایج، رابطه متغیرهای رشد اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی کشورها، بهره‌وری نیروی کار، رانت منابع طبیعی و نرخ بهره حقیقی مشابه مدل ۱ می‌باشد. بنابراین، از تفسیر مجدد آنها صرف‌نظر می‌کنیم. مطابق نتایج مدل دوم، رابطه تورم و رشد صادرات، منفی و معنی‌دار شده است. باید توجه کرد که در مدل یک نیز رابطه این دو متغیر منفی اما بی‌معنی بوده است. به بیان دیگر، تورم، تأثیر منفی بر رشد صادرات این کشورها داشته است. می‌توان گفت تورم موجب افزایش قیمت در بخش‌های غیرقابل تجارت همچون خدمات و املاک و مستغلات می‌شود. در حالی که در بخش‌های قابل تجارت، قیمت‌ها، کم و بیش، در سطح قیمت‌های جهانی ثابت‌اند و تورم می‌تواند به تغییر قیمت‌های نسبی به نفع بخش‌های غیر قابل تجارت منجر شود. این امر نیز می‌تواند به نوبه خود، انحراف عوامل تولید از بخش‌های قابل تجارت به سوی بخش‌های غیر قابل تجارت را در پی داشته باشد. در نتیجه، بنگاه‌های اقتصادی فعال در زمینه صادرات و در کل بخش صادرات کشورها تضعیف می‌شود.

شاخص کیفیت محیط نهادی، به عنوان مهم‌ترین متغیر تحت بررسی، رابطه مثبت و معنی‌دار با رشد صادرات کشورها دارد. این نشان از تأثیر مثبت بهبود محیط نهادی بر توان صادراتی کشور دارد. به عبارت دیگر، هرچه عملکرد دولت‌ها به شاخص‌های حکمرانی خوب نزدیک‌تر شود، یعنی کیفیت قانون‌گذاری‌ها و پایبندی به قوانین افزایش یابد، شفافیت و پاسخگویی در بخش‌های حاکمیتی افزیش یابد، مبارزه با فساد اقتصادی و ارتقای کارایی حاکمیت مورد توجه قرار گیرد و حفظ ثبات و آرامش جامعه مدنظر باشد، می‌توان افزایش توان تولیدی و صادراتی کشورها را انتظار داشت.

همچنین درخور ذکر است که جز تعاملی رشد نرخ ارز و کیفیت محیط نهادی (Iq_exchange_rate_g) دارای ضریب مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه بازگوکننده این مطلب است که متغیر نرخ ارز، در یک محیط نهادی مطلوب می‌تواند اثر چشمگیری بر رشد صادرات کشورهای در حال توسعه داشته باشد و با ثبات سایر شرایط، چنانچه در این کشورها کیفیت محیط نهادی ارتقا یابد، می‌توان با افزایش نرخ ارز، انگیزه‌های صادراتی و حجم صادرات را افزایش داد.

همچنین، در مدل دوم و با گنجاندن شاخص کیفیت محیط نهادی در مدل‌سازی، ضریب متغیر رشد نرخ ارز، از علامت منفی (در مدل ۱)، به علامت مثبت (در مدل ۲، گرچه این ضریب بی‌معنی است) تغییر علامت داده است. این مطلب نیز می‌تواند به لزوم توجه به نقش مؤلفه‌های نهادی و اثرات آنها بر عملکرد اقتصادی کشورها اشاره داشته باشد. به منظور بررسی استحکام نتایج، ما در مدل‌های ۳ و ۴، با تغییر پراکسی‌های کیفیت محیط نهادی و آزادی اقتصادی، به ترتیب، متغیرهای fragility و economic_freedom_fraser را جایگزین متغیرهای Iq و economic_freedom نمودیم. نتایج مدل‌های ۳ و ۴، مشابه مدل‌های ۱ و ۲ به دست آمده‌اند. به عبارت دیگر، به‌رغم تغییر پراکسی‌ها، نتیجه‌گیری کلی در مورد تأثیر مثبت بهبود کیفیت محیط نهادی بر رشد صادرات کشورهای در حال توسعه پابرجا باقی مانده است. نگاهی به نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر fragility (به‌عنوان شاخص کیفیت محیط نهادی) منفی و معنی‌دار شده است. این بدین معناست که ارتقای قانون‌مداری و کارایی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی اثر مثبت بر افزایش ظرفیت‌های صادراتی کشورهای تحت مطالعه دارد[۱].

همچنین، جزء تعاملی رشد نرخ ارز و کیفیت محیط نهادی (fragility_exchange_rate_g) دارای ضریب منفی و معنی‌دار است. این نتیجه بر این مطلب تأکید دارد که با ثبات سایر شرایط و در بستر یک محیط نهادی مطلوب، افزایش نرخ ارز می‌تواند تأثیر مثبتی بر صادرات کشورهای در حال توسعه داشته باشد.

تفاوت نتایج مدل‌های ۳ و ۴ با دو مدل نخست در این است که ضریب متغیر تورم در هر دو مدل ۳ و ۴ بی‌معنی شده است، در حالی که این ضریب، در مدل ۱ بی معنی و در مدل ۲ معنی‌دار بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی رابطه کیفیت محیط نهادی، رانت منابع طبیعی و رشد صادرات در ۳۴ کشور در حال توسعه بود. بدین منظور ما از چهار مدل استفاده نمودیم. در دو مدل نخست در دوره ۲۰۱۳- ۱۹۹۶م، از «میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب» بانک جهانی به عنوان پراکسی کیفیت محیط نهادی استفاده نمودیم. مدل‌های ۳ و ۴ در فاصلهٔ ۲۰۱۲- ۱۹۹۶م، بر مبنای شاخص «شکنندگی حاکمیت» مؤسسه systemic peace،

۱. باید توجه نمود، همانگونه که در بخش ۴-۲ (معرفی متغیرها) نیز ذکر شده، هرچه شاخص شکنندگی حاکمیت (fragility) کمتر باشد به معنای بالاتر بودن قانون‌مداری و کارایی کشور در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. لذا کمتر بودن این شاخص به معنی بهتر بودن کیفیت محیط نهادی است.

به عنوان پراکسی کیفیت محیط نهادی اجرا گردیدند. نتایج بر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین بهبود کیفیت محیط نهادی و رشد صادرات دلالت دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که با ثبات سایر شرایط و در بستر محیط نهادی مطلوب، می‌توان از افزایش نرخ ارز به عنوان ابزاری جهت تشویق صادرکنندگان و افزایش صادرات بهره جست. علاوه بر این، مطابق نتایج، بهره‌مندی از مواهب طبیعی رابطه مثبت با صادرات تحت بررسی دارد. به‌گونه‌ای که با افزایش عایدات حاصل از منابع طبیعی، صادرات رونق و افزایش می‌یابد. نتایج مؤید این دیدگاه هستند که جهت تبیین پدیده‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر متغیرهای قیمتی باید به نقش مؤلفه‌های نهادی نیز توجه کرد و اتخاذ راهکارهای مناسب، جهت نیل به اهداف رشد و توسعه اقتصادی، در گرو توجه به این ویژگی‌هاست.

منابع

ابریشمی، حمید (۱۳۸۰)، "برآورد مدل تجارت خارجی برای ایران"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

ـــــــــــ (۱۳۸۴)، "روش‌های تنظیم و ایجاد تعادل در بازار ارز و تشویق خرید کالا و خدمات از داخل"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

اشرفی، یکتا (۱۳۸۲)، "برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات بخش صنعت"، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲۱.

اولسون، منکور (۱۳۷۷)، "خطابه‌ای عالی درمورد اقتصاد دولتی، پول‌های هنگفت برجای مانده در پیاده‌رو: چرا برخی کشورها ثروتمند و برخی کشورها فقیرند؟"، ترجمه حمیدرضا برادران شرکا، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۳.

تفضلی، فریدون (۱۳۸۵)، "راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در کشورهای غربی موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟"، تهران: نشر نی.

خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۲)، "*رونق نفتی، افزونه‌جویی و نقش نهادی (بررسی موردی ایران و نروژ)*"، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

ذوالنور، حسین (۱۳۷۹)، "بررسی و اصلاح سیاست‌های تجاری"، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۷)، "تأثیر سیاست‌های جدید ارزی بر تجارت خارجی در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۳.

رضاپور، زهره؛ امیری، هادی (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ورود بنگاه‌ها به بازرگانی خارجی، مطالعه موردی صادرکنندگان خشکبار"، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۵۷.

شاکری، عباس (۱۳۸۳)، "ارائه مدل صادرات غیرنفتی برای ایران"، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره۲۱.

عیسی‌زاده، سعید؛ احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸)، "بررسی اثر عوامل نهادی و رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۴۰.

مقیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، "اثر درآمدهای نفتی بر صادرات غیرنفتی از کانال نرخ ارز"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

مهرآرا، محسن؛ رضایی، عباس‌علی (۱۳۸۹)، "کیفیت نهادها و آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه منتخب"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۶.

نصیری اقدم، علی؛ خراسانی، سیدعادل (۱۳۹۲)، "اثر هزینه‌های تجارت در اندازه تجارت خارجی"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۹.

نورث، داگلاس (۱۳۷۷)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

نیلی، مسعود؛ درگاهی، حسن؛ کردبچه، محمد؛ نیلی، فرهاد (۱۳۹۱)، *دولت و رشد اقتصادی در ایران*، تهران: نشر نی.

Acemoglu, D.; Johnson, S.; Robinson, J. A. (2001), *Reversal of fortune: Geography and institutions in the making of the modern world income distribution* (No. w8460), National bureau of economic research.

——— (2005), "Institutions as a fundamental cause of long-run growth", *Handbook of economic growth*, 1, pp. 385-472.

Anderson, J. E.; D. Marcouiller (1997), "Trade and Security, I: Anarchy", NBER Working Paper No. 6223.

——— (2002), "Insecurity and the Pattern of Trade: An Empirical Investigation", *Review of Economics and Statistics*, 84, 2, pp. 342–52.

Anderson, J. E.; L. Young (1999), *Trade and Contract Enforcement* (Boston College, mimeo).

Aron, J. (2000), "Growth and institutions: a review of the evidence", *The World Bank Research Observer*, 15(1), pp. 99-135.

Barro, R. J. (1996), "Institutions and growth, an introductory essay", *Journal of Economic Growth*, 1(2), pp. 145-148.

Brunetti, A.; B. Weder (1998), "Investment and Institutional Uncertainty: A Comparative Study of Different Uncertainty Measures", *Weltwirtschaftliches Archiv*, 134, 3, pp.513–33.

Buldorini, L.; Makrydakis, S.;Thimann, C. (2002), *The effective exchange rates of the euro* (No. 02), European Central Bank.

De Groot, H. L.; Linders, G. J.; Rietveld, P.; Subramanian, U. (2004), *The institutional determinants of bilateral trade patterns*, Kyklos, 57 (1), pp. 103-123.

Edwards, S. (1992), "Trade orientation, distortions and growth in developing countries", *Journal of development economics*, 39 (1), pp. 31-57.

Elbadawi, I. (1998), "Real Exchange Rate Policy and Non-traditional Exports in Developing Countries", *WIDER Discussion Paper*, forth coming in G. Helleimer (ed.), Growth, External Sector and the Role of Non-traditional Exports in Sub-Saharan Africa.

Fan, H.; Lai, E. L. C.; Li, Y. A. (2015), "Credit constraints, quality, and export prices: Theory and evidence from china", *Journal of Comparative Economics*, 43(2), pp. 390-416.

Francois, J.; Manchin, M. (2006), *Institutional quality, infrastructure, and the propensity to export. Unpublished*, January, World Bank, Washington, DC. http://siteresources. worldbank. org/INTTRADECOSTAND FACILITATION.

Glaeser, E. L.; La Porta, R.; Lopez-de-Silanes, F.; Shleifer, A. (2004), "Do institutions cause growth?", *Journal of economic Growth*, *9*(3), pp. 271-303.

Hall, R.; C. I. Jones (1999), "Why Do Some Countries Produce so Much More Output Per Worker than Others?", *Quarterly Journal of Economics*, 114, 1, pp. 83–116.

Harrison, A. (1996), "Openness and growth: A time-series, cross-country analysis for developing countries", *Journal of development Economics*, 48(2), pp. 419-447.

Helliwell, J. F. (1994), "Empirical linkages between democracy and economic growth", *British journal of political science*, 24(02),pp. 225-248.

Helliwell, J. F.; Putnam, R. D. (1995), "Economic growth and social capital in Italy", *Eastern Economic Journal*, pp. 295-307.

Hisamoglu, E. (2014), "EU membership, institutions and growth: The case of Turkey", *Economic Modelling*, *38*, pp. 211-219.

Islam, R.; Montenegro, C. E. (2002), "What determines the quality of institutions?", *World Bank Policy Research Working Paper* (2764).

Kanyama, I. K. (2014), "Quality of institutions: Does intelligence matter?", *Intelligence*, *42*, pp. 44-52.

Karafakioglu, M. (1986), "Export activities of Turkish manufacturers", *International Marketing Review*, *3*(4), pp. 34-43.

Kaynak, E.; Kothari, V. (1984), "Export behaviour of small and medium-sized manufacturers: some policy guidelines for international marketers", *Management International Review*, pp. 61-69.

Khandelwal, A.; Schott, P. K.; Wei, S. J. (2012), *DP9246 Trade liberalization and Embedded Institutional Reform: Evidence from Chinese Exporters*.

Knack, S.; Keefer, P. (1995), *Institutions and economic performance: Cross-country tests using alternative institutional indicators*.

Koed Madsen, T. (1989), "Successful export marketing management: some empirical evidence", *International Marketing Review*, *6* (4).

Kumssa, A.; Mbeche, I. M. (2004), "The role of institutions in the development process of African countries", *International Journal of Social Economics*, 31(9), pp. 840-854.

Law, S. H.; Azman-Saini, W. N. W.; Ibrahim, M. H. (2013), "Institutional quality thresholds and the finance -growth nexus", *Journal of Banking & Finance*, 37(12), pp. 5373-5381.

Levine, R.; Renelt, D. (1992), "A sensitivity analysis of cross-country growth regressions", *The American economic review*, pp. 942-963.

Mauro, P. (1995), "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 110, 3, pp. 681– 712.

Meon, P. G.; Sekkat, K. (2004), "Does the quality of institutions limit the MENA's integration in the world economy?", *The World Economy*, 27(9), pp. 1475-1498.

Moini, A. H. (1995), "An inquiry into successful exporting: An empirical investigation using a three-stage model", *Journal of Small Business Management*, 33(3), 9.

Nawaz, S. (2015), "Growth effects of institutions: A disaggregated analysis", *Economic Modelling*, *45*, pp. 118-126.

North, D. C. (1995), "The new institutional economics and third world development", *The new institutional economics and third world development*, pp. 17-26.

North, D. C.; Summerhill, W.; Weingast, B. R. (2000), "Order, disorder and economic change: Latin America vs. North America", *Governing for prosperity*, 19.

Olson, M.; N. Sarna; A. V. Svamy (2000), "Governance and Growth: A Simple Hypothesis Explaining Cross-country Differences in Productivity Growth", *Public Choice*, 102, 3–4, pp. 341–64.

Perera, L. D. H.; Lee, G. H. (2013), "Have economic growth and institutional quality contributed to poverty and inequality reduction in Asia?", *Journal of Asian Economics*, *27*, pp. 71-86.

Pritchett, L. (2000), "Understanding patterns of economic growth: Searching for hills among plateaus, mountains, and plains", *The World Bank Economic Review*, 14(2), pp. 221-250.

Robert, M. J.; J. R. Tybout (1997), "The Decision to Export in Colombia: An Empirical Model of Entry with Sunk Costs", *American Economic Review*, 87, 4, pp. 545–64.

Rodrick, D.; Subramanian, A. Trebbi (2002),"Institutional Rule: the Primacy of Institutions over Geography and Integration", *In Economic Development*", Mimeo.

Rodrik, D. (1995), "Getting Interventions Right: How South Korea and Taiwan Grew Rich", *Economic Policy*, 10, 20, pp. 53–97.

——— (2002), *Trade Policy Reform as Institutional Reform*, in B. M. Hoekman, P. English and A. Mattoo (eds.), Development, Trade, and the WTO: A Handbook (World Bank, Washington, DC).

Rutherford, M. (2001), "Institutional economics: then and now", *Journal of Economic Perspectives*, pp. 173-194.

Siddiqui, D. A.; Ahmed, Q. M. (2013), "The effect of institutions on economic growth: A global analysis based on GMM dynamic panel estimation", *Structural Change and Economic Dynamics*, 24, pp. 18-33.

Srinivasan, T. N. (1995), "Long-run growth theories and empirics: anything new?", In *Growth Theories in Light of the East Asian Experience, NBER-EASE* University of Chicago Press, Vol. 4, pp. 37-70.

Stiglitz, J. E. (2007), *Making globalization work*, WW Norton & Company.

Williamson, O. E. (2000), "The new institutional economics: taking stock, looking ahead", *Journal of economic literature*, pp. 595-613.

Young, A. T.; Sheehan, K. M. (2014), "Foreign aid, institutional quality, and growth", *European Journal of Political Economy*, 36, pp. 195-208.